

مغز اجتماعی

چرا مغز ما برای ارتباط با دیگران
ساخته شده است؟

متیو دی. لیبرمن

ترجمه: جواد حاتمی / محمدحسن شریفیان



بیش‌نو

فهرست مطالب

پیشگفتار
بخش اول:	سرآغاز
فصل اول:	ما که هستیم؟
فصل دوم:	شور و اشتیاق مغز
بخش دوم:	ارتباط
فصل سوم:	قلب‌های شکسته، پاهای شکسته
فصل چهارم:	انصاف با طعم شکلات
بخش سوم:	ذهن‌خوانی
فصل پنجم:	راه‌های ذهنی
فصل ششم:	آینه، آینه
فصل هفتم:	قله و دره
بخش چهارم:	هماهنگی
فصل هشتم:	«خود» ما همچون اسب تراوا
فصل نهم:	خودمهارگری همه‌جانبه
بخش پنجم:	باهوش‌تر، شادتر، بهره‌ورتر
فصل دهم:	زندگی با مغز اجتماعی
فصل یازدهم:	کسب و کار مغز اجتماعی
فصل دوازدهم:	آموزش و پرورش مغز اجتماعی
سخن پایانی
تقدیر و تشکر
یادداشت‌ها
واژه‌نامه
نمایه

جرمی بنتام^۱ فیلسوف، حدود دو سه قرن پیش نوشته بود، «این درد و لذت است که در هر آنچه انجام می‌دهیم، هر آنچه می‌گوییم و هر آنچه فکر می‌کنیم، بر ما حکمرانی می‌کند.» شکی در این نیست که ما خواهان لذت‌های جسمانی هستیم و سخت تلاش می‌کنیم تا از دردهای جسمانی اجتناب کنیم. اما آیا این لذت‌ها و دردها «در همه چیز بر ما حکمرانی می‌کنند؟» آیا این همه آن چیزی است که ما هستیم؟ من گمان می‌کنم که سهم لذت‌ها و دردها در مدیریت ما بسیار کمتر از آن چیزی است که بطور معمول فکر می‌کنیم. نهادها و ساختارهای انگیزشی جوامع تا حد زیادی مبتنی بر نظر **بیتام** عمل می‌کنند و به همین دلیل بخشی از اثربخش‌ترین عوامل انگیزاننده **رفتار** انسان را نادیده می‌گیرند.

آنچه ما و بنتام اغلب نادیده می‌گیریم این است که انسان‌ها علایق دیگری نیز دارند که به اندازه درد و لذت جسمانی اساسی و مهم هستند. ما برای **اجتماعی** بودن ساخته شده‌ایم. انگیزه‌هایی قوی ما را به سمت ارتباط با

1. Jeremy Bentham

ارو و گلوریا بیش از نیم قرن با هم زندگی کردند. زندگی مشترک آنها مصداق رویای آمریکایی بود. آنها که فرزندان دوران رکود بزرگ اقتصادی در آمریکا بودند، ابتدا زندگی سطح پایینی داشتند ولی با گذشت زمان توانستند پیشرفت کنند و در آتلانتیک سیتی تبدیل به اشخاص محبوبی شوند. آن دو زمانی که نوجوان بودند با یکدیگر آشنا شدند و در دوران دبیرستان، رابطه‌شان به یک دوستی پایدار بدل شد. ارو در دانشگاه دوک پذیرفته شد اما تصمیم گرفت برای کمک به میهن خود در جنگ جهانی دوم، به عنوان خلبان نیروی دریایی خدمت کند. هنگامی که به خدمت اعزام شد، گلوریا نیز همراه با او رفت. آنها پس از جنگ با یکدیگر ازدواج کردند و صاحب دو فرزند شدند؛ فرزندان **که** در آینده تبدیل به وکیل‌های موفق شدند. ارو خانه خود و گلوریا را با **هت** خویشتن ساخت. بعدها او در شغل خرید و فروش خانه فعالیت کرد و **گنوریا** نیز در همان دفتری که او کار می‌کرد مشغول شد. آن دو مهارت **وختی** در شغل خود داشتند، به طوری که چندین پارکینگ خریداری کردند. **این** پارکینگ‌ها بعدها توسط کازینوهای در حال گسترش در آن حوالی